

گفت‌وگو با دکتر «شیرین احمدنیا»، درباره آسیب‌های اجتماعی و مواجهه مردمی با آنها

کمپین‌ها تبدیل به کالایی لوکس شده‌اند

مهسا علی‌بیگی



عسکری، امیر جرجیوی، شیرین

❧ یکی از شکل‌های مرسوم مشارکت برای حل آسیب‌های اجتماعی در ایران امروز، راه‌اندازی کمپین‌های مردمی است که به‌تازگی هم به‌دلیل گسترش شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های اطلاع‌رسانی، همه‌گیر شده است. می‌توان به این کمپین‌ها امیدوار بود؟

متأسفانه این کمپین‌های مردمی، ابعاد محدودی دارند و به قشر روشنفکر و طبقه متوسط محدود می‌شوند و عموماً نمی‌توانند با سایر اقشار جامعه ارتباط برقرار کنند. افرادی که به این کمپین‌ها می‌پیوندند، نسبت به کل جمعیت نسبت بسیار کمی دارند و آن جمعیت وسیع‌تر نیز عموماً نه این کمپین‌ها را می‌شناسند و نه درکی نسبت به اهداف آنها دارند. یکی از موضوعاتی که باید درباره جامعه ایران به آن اشاره کرد، این است که متوسط سطح تحصیلات مردم ایران همچنان حول‌وحوش مقطع دیپلم است. به‌همین دلیل نباید انتظار هم‌نوابی وسیع بدنه جامعه با این کمپین‌ها را داشت. در کنار این، موضوع مهم‌تر مسئله فقر و کمبود امکانات رفاهی در کل جامعه است. این کمپین‌ها تا حد زیادی در حکم کالایی لوکس هستند که کسی که درگیر نان شب است، اصلاً فرصت فکرکردن به آنها را پیدا نمی‌کند و در سطح عموم خریداری ندارد. البته این را هم بگویم بسیاری از این کمپین‌ها کوتاه‌مدت هستند. محدودبودن دامنه فعالیت در کنار کوتاه‌مدت‌بودن، باعث می‌شود عملاً این کمپین‌ها به دستاوردهای چشمگیری نائل نشوند.

❧ اساساً چرا مواجهه ما با آسیب‌های اجتماعی محدود به فضای مجازی شده است؟

فضای مجازی در ایران به دلیل محدودیت برد سایر رسانه‌ها به‌طور استثنایی مورد اقبال عمومی قرار گرفته است. وقتی ما فضای معاشرت را در فضای واقعی برای افراد محدود می‌کنیم، فضای مجازی تبدیل به دنیایی موازی برای پاسخ‌گویی به نیازها و رفع محدودیت‌ها می‌شود. برای مثال، ممکن است شما در زمینه خبرنگاری و روزنامه‌نگاری از محدودیت‌هایی مواجه باشید و به‌دنبال راه‌های جایگزین برای رساندن پیامتان بگردید که در اینجا دنیای مجازی به یاری شما می‌آید. اتفاقاً در برخی مواقع این فضای مجازی باعث تحرک جامعه مدنی می‌شود. ولی در حوزه آسیب‌های اجتماعی، بدنه جامعه که موضوع و هدف آسیب‌های اجتماعی هستند، به دلیل ماهیت فضای مجازی و ابزارهای ارتباطی، گاه عملاً درگیر این کمپین‌ها نمی‌شوند، زیرا با موانعی نظیر برخورداری از سواد رسانه‌ای و ابزار تکنولوژیک روبه‌رو می‌شوند. مرحله بعد، مرحله عمل و اقدام است. سؤال من این است که در مرحله اول پیام این کمپین‌ها به چند نفر در اقصی نقاط کشور می‌رسد؟ و در مرحله بعد چند نفر از کسانی که این پیام را دریافت کرده‌اند، واکنشی نشان می‌دهند و دست به عمل می‌زنند؟ موضوع دیگری که مزید بر علت است این است که این کمپین‌ها به موضوعاتی می‌پردازند که آستانه حساسیت کل جامعه نسبت به آنها پایین است و ممکن است برخی از آنها برای عده کثیری اصلاً آسیب محسوب نشوند. البته این به تعریف خود آسیب اجتماعی هم برمی‌گردد، چون تعریف آسیب اجتماعی از منظر جامعه‌شناسان مختلف، متفاوت است ولی به‌رحال، این گوناگونی تعاریف و آسیب‌ها را هم باید در نظر داشت.

❧ بسیاری از مواقع عملی صورت نمی‌گیرد چون اعتمادی وجود ندارد، مثلاً مردم اعتماد ندارند، کمپینی که برای جمع‌آوری پول یا لباس گرم راه افتاده، آیا واقعاً این پول و لباس گرم را به دست نیازمندان می‌رساند یا نه؟

برای آسیب‌شناسی این موضوع باز هم بر زوال سرمایه اجتماعی در ایران تاکید می‌کنم. وقتی سرمایه اجتماعی در جامعه تضعیف شده است و مسئولیت‌پذیری افراد به کم‌کم کاهش می‌یابد، باز هم بر برخی روندهای نامطلوب نظیر فساد اداری گسترده و انواع اختلاس‌های اقتصادی نیز بر آن تأثیر می‌گذارند، دور از انتظار نیست که شاهد کاهش اعتماد اجتماعی باشیم. در صحبت از نهادها و تشکل‌های مردمی نیز البته با ورود برخی بی‌اخلاقی‌ها مواجه هستیم. بخشی از این مشکل به تضادهای دورنی خود این کمپین‌ها هم مربوط است یعنی گاهی یک سازمان مردم‌نهاد را می‌بینید که اساساً صورتی است و برای تأمین منابع گروهی خاص تشکل را شده و فعالیت جمعی پوششی است برای رسیدن به برخی منافع مادی. گاهی اوقات هم برخی سازمان‌های مردم‌نهاد، درواقع NGO هستند و از سوی دولت‌ها حمایت می‌شوند و اهداف خاص خودشان را دنبال می‌کنند. درواقع در چنین شرایطی این کمپین‌ها و نهادها تبدیل به منبع کسب درآمد شده‌اند. یعنی آسیب‌های دورنی این‌گونه تشکل‌ها نیز باید مورد توجه و آسیب‌شناسی قرار گیرد. انعکاس این آسیب‌ها را شما در بی‌اعتمادی مردم می‌بینید. باید درباره این آسیب‌ها حرف زد، زیرا تا زمانی که شما درباره‌شان صحبت نکنید، آنها را به‌عنوان بیماری و آسیب به رسمیت نشناخته‌اید و به همین دلیل از چاره‌جویی و مداوای آنها هم ناتوان هستید. مشکل ما این است در برهه‌هایی تنها کاری که مسئولانمان درباره دردها و آسیب‌ها کرده‌اند، حرف‌زدن درباره آنها بوده است و با این چشم‌پوشی، گویی صورت‌مسئله را پاک کرده‌اند. امیدوارم با طرح این مسئله‌ها، این روند نیز تغییر کند.

باشد و پیاده‌کننده اراده مردم در قالب سیاست‌گذاری و برنامه‌های اجرایی، درنهایت آنچه مهم و تأثیرگذار است خود مردم هستند و رفتارهایی که از تک‌تک افراد شروع می‌شود؛ یعنی عمل به رفتارهای مدنی براساس این تفکر است که ما عضوی از جامعه جهانی هستیم و سپس به خدمت‌گرفتن ساختارها در این راستا. بخشی از این ساختارها شامل دولت است و بخش دیگر آن سازمان‌های مردم‌نهاد هستند. به بیان دیگر، وقتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ما شکل بگیرد، خودبه‌خود دولت‌ها نیز دولت‌هایی خواهند بود که براساس این مسئولیت‌پذیری جمعی عمل می‌کنند. در کشورهای توسعه‌یافته نهادهای دولتی در کنار نهادهای غیردولتی در زمینه آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند و تکمیل‌کننده هم هستند و در یک هماهنگی با هم فعالیت می‌کنند. در حقیقت هم فلسفه وجودی نهادهای غیردولتی این است که دولت وظایف محدودی دارد و این نهادهای مردمی هستند که باید به تکمیل رسالت دولت بپردازند. پس هم سطح خرد یعنی افراد، هم سطح میانه یعنی نهادهای مدنی و هم سطح کلان یعنی دولت باید در هماهنگی با هم در راستای پدیدارشدن آسیب‌های اجتماعی و بعد مبارزه با آنها فعالیت کنند.

❧ پس معتقدید خود بی‌تفاوتی مردم نسبت به آسیب‌های اجتماعی، یک آسیب اجتماعی است؟

بله، البته این وضعیت غیرقابل حل نیست. شما اگر به کشورهای حوزه اسکاندیناوی نگاه کنید، می‌بینید مردم این کشورها هرگز دست به انقلاب ن‌زدند و با روند مستمر افزایش سواد، آگاهی، مسئولیت‌پذیری و جلب مشارکت شهروندان، وضعیت را به نفع خودشان تغییر دادند. ما می‌توانیم از این تجربه‌های موفق درس بگیریم و از این شیوه‌ها برای بسیج عمومی در مقابل مسائل جامعه الگو بگیریم. من معتقدم مردم خودشان با کسب آگاهی و شناخت از اوضاع و وضعیتشان و رسیدن به این نقطه که هر نوع برای کسب مستلزم ایجاد اصلاح در خودشان است، کام بزرگی در جهت اصلاح جامعه برداشته‌اند. اینکه ما همیشه مشکلات را متوجه دیگری‌ای در بیرون می‌کنیم، ما را به نتیجه‌ای نخواهد رساند. جالب است که هم یافته‌های روان‌شناختی و هم یافته‌های جامعه‌شناختی این موضوع را تأیید می‌کند. حتی در حوزه اقتصاد و سیاست هم گفته می‌شود هر جا مشارکت مردم جلب شده و شرایط دموکراتیک فراهم شده است، ما شاهد قدرت‌گرفتن مردم بوده‌ایم. برای مثال، در هند که بزرگ‌ترین دموکراسی جهان لقب گرفته است، قوانینی بسیار مترقی در برخی از حوزه‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی مانند حوزه زنان به تصویب رسیده و نیروهای مدنی بسیار قوی در هند به‌وجود آمده که بر تصویب قوانین تأثیرگذار است و در آنجا شاهد همکاری و هماهنگی مؤثر دولت و ملت با هم هستیم.

• • •

نباید انتظار هم‌نوابی وسیع بدنه جامعه با این کمپین‌ها را داشت. در کنار این، موضوع مهم‌تر مسئله فقر و کمبود امکانات رفاهی در کل جامعه است. این کمپین‌ها تا حد زیادی در حکم کالایی لوکس هستند که کسی که درگیر نان شب است، اصلاً فرصت فکرکردن به آنها را پیدا نمی‌کند و در سطح عموم خریداری ندارد. البته این را هم بگویم که بسیاری از این کمپین‌ها کوتاه‌مدت هستند



❧ اشاره کردید غلبه ارزش‌های مادی بر معنوی، ناشی از نابرابری‌های اقتصادی است. به زبان ساده، مردمی که گرسنه هستند، به مشارکت اجتماعی هم فکر نمی‌کنند. فکر نمی‌کنید رشد و رونق اقتصادی بر اصلاح سایر بخش‌ها، حتی اصلاح رفتارهای خرد و فردی مقدم است؟

همه ما باید به نقطه‌ای برسیم که بفهمیم این کاخ‌نشینی در برابر کوخ‌نشینی، ما را به سرمزل مقصود رهنمون نمی‌کند و باید در سیاست‌های اقتصادی افزایشده نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی تغییرات جدی حاصل شود. اما اینکه این اتفاق چگونه رخ می‌دهد، باز هم به رفتارهای خرد و فردی ما برمی‌گردد. این ما هستیم که باید به این نتیجه برسیم که باید در سرنوشت سیاسی‌مان دخیل باشیم تا دولت‌هایی سر کار بیایند که سیاست‌های اقتصادی معطوف به کاهش نابرابری و گسترش عدالت را دنبال کنند. افراد فقط در این صورت می‌توانند بر ساختارها اثرگذار باشند.

اخبار آسیب‌های اجتماعی در ایران سوژه داغ هرروزه رسانه‌های جمعی و اجتماعی است؛ از کارت‌ن خوابی گرفته تا مصرف مواد مخدر در مترو. مواجهه مردم با این آسیب‌ها هم به اندازه خودشان متنوع است؛ از هجوم‌بردن به کارت‌ن‌ خواب‌ها و به‌آتش کشیدن جاده‌هایشان تا فیلم‌برداری و عکس‌برداری از آنها با تلفن‌های همراه. اما مواجهه مردم با آسیب‌های اجتماعی، نیازمند آسیب‌شناسی است. موضوعی که آن را با دکتر «شیرین احمدنیا، جامعه‌شناس و مدیر کل دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در میان گذاشته‌ایم. احمدنیا معتقد است مردم دچار بی‌تفاوتی به آسیب‌های اجتماعی هستند و واکنش‌های آنها در قبال این آسیب‌ها به شکل ایجاد کمپین‌های مردمی هم با تضادها و چالش‌های زیادی روبه‌روست.

❧ در هفته‌های گذشته خبری رسانه‌ای شد درباره اینکه مردم در خیابان هرندی به کارت‌ن خواب‌ها حمله کرده و جاده‌های آنها را به آتش کشیده بودند. چه می‌شود که مردم در واکنش به آسیب‌های اجتماعی دست به اقداماتی نظیر مداخله مستقیم، آن هم از نوع خشونت‌آمیز آن می‌زنند؟

من اطلاع دقیقی از آنچه روی داده است، ندارم. نمی‌دانم مردم به‌صورت خودجوش دست به این اقدام زده بودند یا اینکه اقدامی سازماندهی شده بوده است، اما آنچه مهم است اینکه ما درحال حاضر در کشور با پدیده افزایش نسبت‌ها و تنوع آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو هستیم و معتقدم برعکس آنچه شما گفتید، نوعی انفعال در مواجهه مردم با آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. به این شکل که مردم با پدیده افزایش و گوناگونی آسیب‌های اجتماعی مواجه هستند، اما در لاک خودشان فرورفته‌اند و سعی می‌کنند آنها را نادیده بگیرند و از آنها روی برگردانند. این اتفاقی است که در برخی از کشورهای دنیا نیز روی داده است و از آن، گاه با نام بی‌اعتنایی مدنی یاد می‌شود که در اینجا این بی‌اعتنایی معطوف به آسیب‌های اجتماعی، دیده می‌شود.

❧ چرا این اتفاق رخ داده است؟

درباره این چرا همه باید تأمل کنند. برای خود من این موضوع شکل یک مسئله به خود گرفته است. اگر بخواهیم این مسئله را تحلیل کنیم، ابتدا باید آن را به رسمیت بشناسیم و بعد تحلیلش کنیم. اما آنچه درحال حاضر درباره این مسئله می‌توانم بگویم این است که عوامل چندی دست به دست هم داده‌اند که این بی‌اعتنایی به آسیب‌های اجتماعی در جامعه شکل بگیرد. یکی از این عوامل این است که در جامعه ما نوعی روند غلبه ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی شکل گرفته و در حال پیشروی است. این روند کاملاً خلاف جریانی است که قرار بود جامعه ما به آن سمت برود. این روند غلبه ارزش‌های مادی در شرایطی پدیدار می‌شود که جامعه به جامعه‌ای دوقطبی تبدیل می‌شود؛ یعنی طبقه متوسط اقتصادی و اجتماعی رو به زوال گذاشته و جامعه به دو طبقه افراد با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین، تقسیم شده است؛ یعنی مردم یا بسیار ثروتمند هستند یا بسیار فقیر و نمی‌توان حد وسطی بین این دو طبقه متصور بود. این تفاوت پایگاه طبقاتی افزایش نابرابری و نبود توزیع عادلانه ثروت در جامعه را نشان می‌دهد و باعث می‌شود آنچه برای افراد جامعه مهم می‌شود، ارزش‌های مادی باشد؛ بنابراین تمام هم‌وغم افراد این می‌شود که اکتیج خودشان را از آن دریابند؛ بکشند و کاری به کار همسایه، محله، شهر، استان و درنهایت حتی کشور خودشان هم نداشته باشند.

❧ افزایش نابرابری‌های اقتصادی چه تأثیرات دیگری بر جامعه دارد؟

در چنین شرایطی افراد بیش از آنکه به منافع جمعی‌شان توجه داشته باشند، منافع فردی‌شان را دنبال می‌کنند و به همین دلیل مسئولیت اجتماعی در افراد تضعیف می‌شود. اگر بخواهیم با زبان جامعه‌شناسی صحبت کنم باید بگویم در چنین شرایطی، زوال سرمایه اجتماعی اتفاق می‌افتد. اینکه افراد در لاک خودشان فروبروند و بگویند فراتر از خودم و خانواده‌ام به چیز فکر نمی‌کنم، نه با توصیه‌های دینی ما هماهنگ است و نه با اصول توسعه انسانی مدرن. در کشورهای توسعه‌یافته یکی از اقدامات جدی دولت‌ها مقابله با همین مسئله زوال سرمایه اجتماعی از طریق جلب مشارکت‌های مدنی و تقویت بنیادهای معنوی است تا مردم را از مسئولیت‌های اجتماعی آگاه کنند و اعتماد اجتماعی را در این زمینه ارتقا ببخشد. اتفاقاً همین کشورها هستند که در مقابله با آسیب‌های اجتماعی نیز موفق‌تر عمل می‌کنند.

❧ این رویکرد که دولت مسئول اصلی مبارزه با آسیب‌های اجتماعی است هم از همین جا ناشی می‌شود؟

بله، دقیقاً این ناشی از همین نگاه است؛ یعنی افراد مسئولیت را از دوش خود برمی‌دارند و آن را بر دوش یک نهاد که در اینجا نهاد دولت است، می‌اندازند. درست عکس این اتفاق در کشورهای توسعه‌یافته می‌افتد؛ برای مثال در کشورهای اسکاندیناوی یکی از مهم‌ترین نمادهای مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، میزان بسیار بالای مالیات است. درواقع در این کشورها مردم حاضر می‌شوند بیشترین مالیات را به دولت بدهند تا دولت به بازتوزیع عادلانه ثروت در جامعه بپردازد، زیرا آنها می‌دانند ثروتی که به طریق مالیات جمع می‌شود، در خدمت منافع جمع مجدداً توزیع خواهد شد. این مالیات درواقع سهمی است که هر فردی در راستای نفع و خیر جمعی می‌پردازد. این اتفاق البته در پی یک اتفاق دیگر روی می‌دهد و آن اینکه در ذهن تک‌تک افراد آن جامعه این فکر ایجاد شده است که ما باید در برابر جامعه‌مان مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گو باشیم و تلاشمان قرار نیست فقط به ما سود برساند، بلکه فراتر از آن به اجتماع محلی و در مرحله بعد به جامعه‌مان سود خواهد رساند. این یعنی فراتررفتن از فرد و رسیدن به سطح Community و پس از آن Society. اما عکس این اتفاق دقیقاً در ایران در حال رخ‌دادن است. یعنی فقط فرد مهم است و نهایتاً خانواده در جهیک‌ او. حتی خویشاوندان نیز در بسیاری مواقع موضوع دغدغه افراد نیستند. به‌این‌ترتیب کانون توجه متمرکز بر «ما»یی شده است که بسیار محدود است. در یک جامعه توسعه‌یافته وضعیت خالص این است که این «ما» هرچه بیشتر، وسیع باشد. یعنی هم‌وغم شما از سطح فرد به سطح اجتماع و سپس به سطح جامعه و حتی فراتر از آن تسری یابد. گاهی حتی این ما از مرزهای ملی نیز فراتر می‌رود. این همان چیزی است که همواره مورد تاکید بزرگان اندیشه و ادب ما نیز بوده است و نمونه‌اش را در این بیت سعدی که «بنی آدم اعضای یکدیگرند» می‌بینید.

❧ البته خود دولت‌ها نیز در ایران این رویکرد را نسبت به مبارزه با آسیب‌های اجتماعی دنبال می‌کنند و بیش از اینکه مردم را در مبارزه با آسیب‌ها دخالت دهند، خودشان و از بالا دنبال حل آنها هستند.

اساساً این تفکر که دولت‌ها مسئول مبارزه با آسیب‌های اجتماعی هستند، زیر سؤال است. دولت‌ها نیز درواقع نمایندگان مردم هستند. پس آنچه تعیین‌کننده است، مردم هستند. این مردم هستند که می‌توانند با تغییر رفتارشان از سطح فردی، تا سطح اجتماع و جامعه در زمینه کنترل و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی دخیل باشند. دولت فقط باید تسهیلگر

نگاه

صلح، فرصتی دست‌نیافتنی

نوید رسولی

صلح، مفروضه اصلی به‌وجودآمدن رشته روابط بین‌الملل بوده است. از زمان تأسیس کرسی روابط بین‌الملل، قضیه صلح و کنترل جنگ یکی از دلایل اصلی بحث و مجادلات نظری و عملی در جهان بوده است. تاکنون تئوری‌های زیادی در جهت ایجاد صلح و برقراری امنیت جهانی در عرصه مطالعاتی روابط بین‌الملل به وجود آمده است و در زمینه‌های عملی نیز سازمان‌های زیادی- ملی و بین‌المللی- برای بسط صلح در عرصه جهانی تأسیس و فعالیت می‌کنند. عصر حاضر، آغازگر جنگ‌ها، درگیری‌ها، خشونت‌ها و افراطی‌گری‌هایی بوده و مصیبت‌های بی‌پایانی را در عرصه بین‌الملل موجب شده است. در این دوره، دستیابی به صلح در بخش‌هایی از دنیا، بیش از همیشه به یک توهم تبدیل شده است. «از آنجا که جنگ‌ها در اذهان مردم شکل می‌گیرد، در اذهان مردم است که باید دفاع از صلح را ساخت»، این جمله که ۷۰ سال پیش توسط کشورهای بنیان‌گذار عضو یونسکو در جریان خرابی‌های جنگ جهانی دوم نوشته شد، امروز صادق دارد. (پیام ایرینا بوکوکو، مدیرکل یونسکو، به مناسبت روز جهانی صلح، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴) «صلح» یک آرمان جهانی تلقی می‌شود و بی‌شک در پرتو همزیستی مسالمت‌آمیز بشریت به ارمغان خواهد آمد. امروز، لازمه ایجاد صلح، درک واقعیت‌های جدید جنگ و نیز روشی است که از طریق آن، جان انسان‌ها و هویت‌های آنها در نقاط مختلف جهان در جریان خشونت‌ی که به قلب ارزش‌های فرهنگی و مذهبی مردم حمله‌ور می‌شود، مورد تعرض قرار می‌گیرد. صلح، آرمان متعالی جامعه بشری و رسالت ادیان الهی است که بشر آن را در مقاطع مختلف تاریخ حیات خود به صورت‌های گوناگون از جمله گفت‌وگوهای بین‌دینی پیگیری کرده است. دین مبین اسلام که خود نمادی صلح در جهان است، در آموزه‌های خود به‌خوبی اهمیت این اصل را مشخص می‌کند. بسیاری از اندیشمندان و متفکران حاضر، «اصل گفت‌وگو» را ضروری‌ترین ابزار برای مقابله با خشونت و افراطی‌گری دانسته و امیدوارند در تداوم گفت‌وگوهای مثبت و سازنده دینی به عالی‌ترین و بهترین هم‌اندیشی و همکاری در عرصه بین‌الملل دست یابند. همچنین، نیل به جهانی عاری از خشونت و افراط‌گرایی، علاوه بر تلاش دولت‌ها- به‌طور معمول، نیازمند فعالیت سازمان‌هایی است که خود را وقف تحقق صلح، امنیت، عدالت و سایر ارزش‌ها و آرمان‌های والای انسانی کنند نظیر سازمان تبلیغات اسلامی...

اسلام و صلح

تاریخ زندگی بشر؛ از بدو خلقت گرفته تا به امروز که بشریت به دوران به‌اصطلاح پست‌مدرنیسم کام نهاده، همواره با مسئله و مشکل جنگ دست‌به‌گریبان بوده و هست. بشر از روزی که با روی این کره خاکی گذاشته، تا امروز که شریعت خود را در بالاترین مرحله مدنیت احساس می‌کند، هیچ‌وقت از جنگ و خونریزی، قتل و کشتار فارغ نبوده است. واژه «صلح» در لغت به معنی همزیستی مسالمت‌آمیز، سازش عادلانه و ازبین‌بردن نفرت و دشمنی میان مردم است و کلمات صلح و صالح از همین واژه ریشه گرفته‌اند و به‌ترتیب به معنی مصلح یا عدل و انصاف، شایسته و به‌دور از هرگونه فساد هستند. صلح از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه بیشتر از هر ارزش دیگری در معرض تهدید و مخاطره بوده است، همواره انسان‌ها، چه از نظر تئوریک‌ی و چه به‌لحاظ راه‌حل‌های عملی مقطعی در تلاش چاره‌جویی برای رسیدن به آن بوده‌اند. دکتر بیگدلی در کتاب «حقوق جنگ» خود به نقل از یکی از حقوق‌تالان نوشته است: «از ۳۴۰۰ سال تاریخ شناخته‌شده برای بشر، تنها ۲۵۰ سال شریعت در صلح عمومی بسر برده است». (بیگدلی؛ ۵۷، ۱۳۸۰) تاریخ سیاسی جهان شاهد عهدنامه‌ها و قراردادهای دو یا چندجانبه بین دولت‌هاست که نمایانگر گوشه‌ای از فعالیت‌های بشری در راه برقراری صلح و همزیستی است. در حقیقت تلاش برای صلح همواره به موازات اقدام برای تجاوز و جنگ‌افروزی در روابط بین ملت‌ها ادامه داشته است. صلح و دوستی و مهدی‌الین افراد جامعه و پرهیز از تفرقه و دشمنی، خواسته اسلام بوده و مایه وحدت جامعه است. صلح و دوستی با دیگران یکی از راه‌های اصلی انس و صمیمیت است و باعث مؤنس‌شدن انسان با دیگران و بیرون آمدن از تنهایی شده و همچنین به زندگی انسان نشاط و شادی می‌بخشد؛ صلح و دوستی در اسلام یک مسئله ریشه‌داری است که ارتباطی ناگسستنی با طبیعت اسلام دارد و به‌طورکلی روح و محتوای فرهنگ دینی ما برپایه «ارتباط»، «صمیمیت»، «عاون»، «همدردی» و «عاطفه» استوار است و جلوه‌های این فرهنگ بالنده نیز در دستورالعمل‌های اخلاقی اسلام دیده می‌شود؛ اسلام به‌طور آشکار و صریح مسلمانان را به پذیرش صلح و دوستی دعوت کرده و به آنان افزایش ارتباط و صمیمیت را توصیه می‌کند؛ خداوند صلح را بر جنگ ارج نهاده و قبل از آنکه مسلمانان را به جنگ با دشمنان فراخواند، آنها را به صلح و دوستی، فراخوانده است؛ اسلام مسلمانان را برادران دینی هم می‌داند و افراد غیرمسلمان را به‌عنوان همنوع مسلمین دانسته و صلح را تنها مخصوص مسلمانان نمی‌داند بلکه در مورد غیرمسلمانانی که هیچ ظلمی به مؤمنین نکرده و در عهد خود پایبند هستند نیز جایز می‌داند. به عبارت دیگر، اساس روابط مسلمانان با غیرمسلمانان بر مسالمت و رفتار نیکو می‌باشد. اسلام هیچ‌گاه به پیروان خود اجازه قتل و کشتار پیروان مذاهب دیگر را نمی‌دهد و وجود عقاید مخالف، مجوزی برای رفتار خصمانه نیست، بلکه اسلام به پیروان خود دستور می‌دهد با مخالفین، رفتار مبتنی بر عدالت و قسط داشته باشند. این نظریه قائل به «کرامت انسانی» است. غیرمسلمانان از آن جهت که در انسانیت با مسلمانان شریک هستند دارای احترام می‌باشند، هرچند در عقیده و مذهب متفاوت هستند (قرآنی، صص ۳۷۴ - ۳۷۲، ۱۳۷۵). به عبارت دیگر، در اسلام، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان و مذاهب دیگر، به‌عنوان «قاعده اساسی» ملاحظه شده است. بنابراین، جنگ یک حالت استثنایی بوده و آن در صورتی است که راهکارهای مسالمت‌آمیز به جایی نرسد.

منابع:

ایرینا بوکوکو، مدیرکل یونسکو، به مناسبت روز جهانی صلح (۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴)، ۲۶ شهریور ۱۳۹۳، سایت سازمان یونسکو در ایران/ همشهری، ۲۷ شهریور ۱۳۹۳. - ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه‌طباطبایی، ۱۳۸۰ - قربانی، زین‌العابدین؛ اسلام و حقوق بشر، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۵.